

نحوه تعیین ارش در فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی و دانش پزشکی

چکیده

جبران خسارات بدنی در نظام حقوقی ایران عمدتاً از طریق پرداخت دیه یا ارش صورت می‌گیرد. درحالی‌که دیه به عنوان یک نهاد حقوقی با میزان مشخص در قانون مجازات اسلامی تعریف شده است، ارش به عنوان جبران خسارتی که میزان آن در شرع و قانون معین نشده، با چالش‌های عملی و نظری مواجه است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر قوانین موضوعه، به‌ویژه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قواعد فقهی و اصول کلی حقوقی، به بررسی شیوه‌های تعیین ارش در فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی و دانش پزشکی می‌پردازد.

در فقه امامیه چهار شیوه برای محاسبه ارش مطرح شده است: عبدانگاری، نظر دو نفر عادل، صلح و تراضی، و تصمیم حاکم. هر یک از این روش‌ها دارای نقاط قوت و ضعفی است که اجرای عدالت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، در نظام حقوقی ایران، تعیین ارش بر عهده دادگاه است و پزشکی قانونی به عنوان مرجع کارشناسی نقش کلیدی در این فرآیند ایفا می‌کند. با این حال، نبود ضوابط دقیق و یکپارچه منجر به تشتت آرای قضایی و ناهمگونی در جبران خسارات شده است.

این پژوهش به ابهامات قانونی و پزشکی در تعیین ارش، از جمله تطبیق صدمات با قانون دیات، چالش‌های مربوط به بیماران مبتلا به وضعیت نباتی، و محاسبه دیه و ارش شکستگی استخوان‌ها می‌پردازد. همچنین، تشتت رویه قضایی و نیاز به ایجاد وحدت رویه در نظرات کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته است. درنهایت، پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای متشکل از متخصصان قضایی، پزشکی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تشکیل شود تا با مطالعه پرونده‌های مرتبط، راهکارهایی برای رفع ابهامات و تحقق عدالت در جبران خسارات بدنی ارائه گردد.

کلمات کلیدی: ارش، جبران خسارت، رویه قضایی، شیوه پزشکی تعیین ارش، آرای فقهی، مقررات جزایی.

مقدمه

اصل لزوم جبران صدمات بدنی در فقه شیعه و بلکه حقوق اسلام، اصلی انکارناپذیر است و حتی به اندازه‌ای اهمیت دارد که برای بیان لزوم جبران خسارت‌های مالی، آن را به خسارت‌های جسمی تشبیه نموده‌اند (بابایی، ۱۳۸۹، ص ۲). از آنجا که کارشناسی در مورد ارزش و دیه براساس قانون مجازات اسلامی (دیات) منحصر به کشور ما می باشد، استفاده از منابع علمی بین‌المللی برای تعیین خسارت عینا امکان‌پذیر نیست (شیخ‌آزادی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۰۵).

نحوه محاسبه دیه کار بسیار تخصصی و دقیقی است که حتما باید توسط کارشناسان این رشته، پزشکی قانونی و مراجع قضایی انجام شود، سابقه پزشکی قانونی به قرن‌های گذشته باز می‌گردد و شامل عملیات و آزمایش‌هایی است که متخصصان برای کشف، جرایم اتهامات یا صداقت افراد یا احراز آسیب‌های پنهان به کار می‌برند تا قضاات براساس قرائن و شواهد حاصله از طریق آن‌ها بتوانند حکم مقتضی صادر کنند (ادیب، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

براساس آمارها و بررسی‌های انجام‌شده، بیش از ۹۸ درصد از نظریات پزشکی قانونی عینا مورد پذیرش و بهره‌برداری مراجع قضایی قرار می‌گیرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

به تصریح ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل: پزشک، دارو ساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد. بدین معنا که ارجاع به کارشناس پزشکی قانونی از سوی دادرس در مسائل فنی و تخصصی است، در واقع کارشناسی نوعی مشاوره تخصصی است که قاضی برای آگاهی علمی و فنی مسئله-هایی که نزد اوست از آن بهره می‌گیرد، نوعی معاینه فنی در زمینه‌هایی که قاضی خود در آن تخصص ندارد (زراعت و حاجی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵۹).

به نظر می‌رسد تعیین قانونی خسارت پرداختی و مقدر بودن آن (در مورد دیه) و یا مقدر بودن سقف پرداختی (در مورد ارزش) و دو وجهی بودن آن و عدم اشراف حوزه پزشکی به امور قانونی و عدم اشراف حوزه قضایی به

حوزه پزشکی، در عمل گاهی منجر به عدم شکل‌گیری زنجیره متصل به رشته عدالت می‌شود (سادات حسینی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

برخی فقهای امامیه برای قاعده ارش به روایاتی که بر عدم بطلان خون و حق مسلمان دلالت می‌کند، استناد نموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۶). براساس این، قاعده ارش از مصادیق قاعده لا یبطل دم امرء مسلم و لا یبطل حق امرء مسلم به شمار می‌رود، دیه برخی جراحات‌ها که در شرع مشخص شده به دست ما نرسیده است و چون حق مجنی‌علیه هدر نمی‌رود، باید آن را جبران کرد. میزان جبران را ارش می‌گویند؛ اما معنای این حرف این نیست که ارش به دست‌آمده همان میزان معین شرعی باشد، بلکه ممکن است با آن مساوی، کمتر یا بیشتر باشد. بنابراین، قاعده ارش همانند اصله الاحتیاط و ... از جمله ادله فقهاتی است و نه ادله اجتهادی. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۵۳).

در بعضی موارد، آنچه سازمان پزشکی قانونی گواهی‌های خود را مطابق آن صادر می‌کند، با نظر مقنن همخوانی ندارد، در مراکز پزشک قانونی عمدتاً چالش‌های تشخیصی و چگونگی برخورد با بیماران دارای وضعیت نباتی از جهت تعیین ارش و دیه همواره مطرح بوده است که این امر منجر به بروز نبود وحدت‌رویه در نظریات صادر شده از مراکز مختلف می‌گردد، همچنین مقنن در برخی صدمات، اقدام به رونوشتی از کلام فقها بدون دسته‌بندی منظم و رفع ابهامات آن نموده است که همین اطلاق و ابهام مشکلاتی را در محاسبه دیه و ارش ایجاد نموده است.

این مقاله ضمن بررسی تفصیلی آنچه در سطور بالا مطرح شد، در صدد پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

اولا: شیوه محاسبه ارش در فقه امامیه چگونه است؟

ثانیا: چه ابهامات قانونی و پزشکی در محاسبه و تعیین ارش وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع ارش، فقها در فقه بابی مستقل به همین موضوع اختصاص داده و به تفصیل درباره مسائل و احکام آن سخن گفته‌اند (برای نمونه رک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۵۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۶۲ و صاحب‌جواهر، ص ۳۵۳)، در تحقیقات حقوقی حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۸۴) درخصوص قاعده ارش بحث کرده‌اند؛ بای، ۱۳۹۴ و استلمز (۱۳۹۰) درباره قاعده شکستگی استخوان‌ها و ابهام قانونی محاسبه دیه و ارش خسارت آن بحث نموده‌اند، شاکر و ساریخانی (۱۳۹۵) به بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی پرداخته‌اند، حاج‌منوچهری و مزینانی (۱۳۹۶) به ارزیابی چگونگی تعیین خسارت بیماران مبتلا به وضعیت نباتی در پزشکی قانونی پرداخته‌اند که درنهایت همگی به صورت گذرا و موردی ابهامات تعیین ارش را مورد بررسی قرار داده‌اند.

پژوهش حاضر از این جهت متفاوت با نوشته‌های پیشین است که در بیشتر مقالات و پژوهش‌ها در این زمینه، تنها به یک بُعد از ابعاد موضوع توجه شده است، ولی در این پژوهش درخصوص نحوه تعیین ارش در فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی و دانش پزشکی تلاش شده تا در کنار یکدیگر با درک درستی از ابهامات تعیین ارش، همه جوانب موضوع نیز مورد بررسی قرار بگیرد و در صدد راهکار برآیند.

ماهیت ارش

ارش در لغت به معنای مطلق دیه جراحت (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۹۵) یا دیه جراحتی است که میزان آن مشخص نشده است (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۹۵).

برخی از لغت‌دانان از جمله ابن‌أزهري معتقدند که ارش در اصل به معنای خَدَش است و سپس به آنچه که دیه برای آن گرفته می‌شود، ارش گفته شده است (ابن‌الازهری، ۲۰۰۱ ق، ص ۲۷۹).

محقق حلی در شرایع این واژه را چنین تعریف می‌نماید «کل ما لا تقدیر فیه، ففیه الارش» (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۴۴)، پس از ایشان علامه حلی در ارشاد الاذهان همین تعریف را پذیرفته (علامه حلی،

۱۴۱۰ق، ص ۲۳۶) و بر این مطلب صحه گذاشته است و علمای متاخر و معاصر نیز با تعابیر مشابه آن را نقل کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳، خویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۱۷-۲۲۷).

مهم‌ترین دلیل قاعده ارش صحیحۀ ابوبصیر است، در این روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: جامعه دست ماست، سپس در پاسخ به این سوال ابوبصیر که جامعه چیست، فرمودند: کتابی است که در آن هر حلال و حرامی و هر آنچه مردم به آن نیاز دارند وجود دارد. سپس، امام علیه السلام از ابوبصیر اجازه گرفتند و دست او را فشردند و پس از آن فرمودند: حتی ارش این کار نیز در جامعه تبیین گردیده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵۶).

از عبارت‌های صاحب‌جواهر که در ذیل این روایت آمده، شاید بتوان چنین استفاده کرد که از دیدگاه ایشان، حکم ارش، یک حکم ظاهری است و نه واقعی. ایشان درباره این روایت می‌نویسد: «ان المقتضى الخبر الاول ان لكل شى مقدرا الا انه لم يصل اليها» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۸) یعنی مقتضای این روایت آن است که برای همه انواع جنایات، از نظر شرعی، میزان دیه مشخص شده است، ولی برخی از آن‌ها به دست ما نرسیده است.

از این رو، برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند: با توجه به اینکه میان عدم تعیین در شرع، با نرسیدن حکم آن به دست ما تفاوت وجود دارد، باید گفت قاعده ارش، نه یک دلیل اجتهادی، بلکه یک دلیل فقهاتی و هم سطح با اصول عملیه است که در موطن شک، بسان یک حکم ظاهری در مقابل احکام واقعی جعل شده است و به این معناست که «در هر جنایتی که نمی‌دانیم مقدار دیه معین شرعی چیست، ارش وجود دارد». براساس این ادعا فرض آن است که شارع، خودش همه جنایات را بیان کرده و جایی را باقی نگذاشته است. بنابراین، چون دیه برخی از جنایات به دست ما نرسیده و باب علم نسبت به آن‌ها بسته است و از طرفی، حق مجنی‌علیه نباید پایمال شود، مطلق ظن حجت خواهد بود. البته در این میان می‌توان از راه قیاس به موارد منصوص و یا از طریقی که ظن ایجاب می‌کند که آن طریق، اقرب به واقع است، بهره جست (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۰).

فقه : شیوه‌های محاسبه ارش

در فقه امامیه چهار شیوه برای تعیین ارش بیان شده است:

۱- عبدانگاری: بیشتر فقهای امامیه گفته‌اند برای تعیین ارش بایستی مجنی‌علیه را در صورتی که حر باشد، عبد فرض نمود و صحیح و معیّب او را قیمت‌گذاری کرده و هر نسبتی که میان تفاوت قیمت صحیح و معیّب با صحیح به دست می‌آید، به همان نسبت از دیه نفس به عنوان ارش تعیین گردد؛ مثلاً اگر مجنی‌علیه به فرض بنده بودن در صورت سلامت معادل ۸۰۰ دینار ارزش داشته باشد و با وجود عیب ۶۰ دینار، مقدار ارش ربع دیه کامل یعنی ۲۵ شتر می‌باشد.

۲- از نظر حاکم بعد از جلب نظر دو نفر عادل: مرحوم آیت‌الله خویی معتقد است تعیین ارش به وسیله حاکم پس از جلب نظر دو نفر عادل صورت می‌گیرد: (خویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۱۲-۲۶۶).

۳- صلح و تراضی: برخی فقها معتقدند تعیین ارش از طریق صلح و تراضی صورت می‌گیرد: (خوانساری، ۱۳۹۴، ص ۲۳۲).

۴- نظر امام: اگرچه شیخ طوسی در برخی موارد برای تعیین ارش، از شیوه اول نام برده است (طوسی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۹). اما در مورد کسی که موهای سرش به وسیله آب داغ از بین رفته و دوباره روییده است، می‌گوید: «علیه ارشه حسب بما یراه الامام»: (طوسی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۷).

ارزیابی شیوه‌های تعیین ارش

۱-۱- **روش اول:** شیوه اول دارای ایراداتی است (آصف المحسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۹-۲۹۸). از جمله آن‌ها عدم کارایی آن در زمان فعلی به علت برچیده شدن نظام برده‌داری است. به‌علاوه لازمه این روش، نبود ارش در بسیاری از موارد است، زیرا قیمت عبد به وسیله بسیاری از جراحات یا جنایات تفاوت نمی‌کند و در نتیجه برای آن‌ها ارشی نخواهد بود، درحالی‌که روایات حکایت از آن دارد که حتی در فشار دادن بدن نیز ارش وجود دارد (شیرازی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۴-۲۱۵). اما مهم‌ترین اشکال این شیوه است که مستند شرعی نداشته و هیچ آیه و روایت و اجماعی بر شرعی بودن آن دلالت ندارد. به قول مرحوم آیت‌الله خویی روایات و اجماع بر

اصل مشروعیت ارش دلالت دارند و نه بر عبد فرض نمودن مجنی علیه (خویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۶۷). شاید به همین جهت است که برخی فقها احتمال داده‌اند که این شیوه از فقه اهل سنت به فقه شیعه سرایت کرده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۸).

۲-۲- **روش دوم** : مرحوم آیت‌الله خویی که به شیوه دوم برای تعیین ارش معتقد است، برای مشروع بودن آن به صحیحۀ عبدالله بن سنان استناد می‌نماید، طبق این صحیحۀ حاکم و قاضی در تعیین ارش از شهادت و نظر دو نفر عادل بهره می‌جویند (خویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۶۷).

* صحیحۀ عبدالله بن سنان

« عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ديه الید اذا قطعت خمسون من الابل، و ما كان جروحا دون الاصطلام فيحكم به ذوا عدل منكم و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون »: امام صادق علیه السلام: « ديه دست اگر قطع شود پنجاه شتر است و اگر جنایت به صورت جراحت و نه قطع کردن باشد، دو نفر عادل به آن حکم می‌کنند و هر کس به آنچه خدا نازل فرموده حکم نکند، کافر است » (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۹).

صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۶). و صاحب مبانی التکملة المنهاج (خویی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۶۸-۲۱۲). به این حدیث استناد کرده‌اند گرچه به نظر می‌رسد استناد آیت‌الله خویی به این حدیث بیشتر برای بیان شیوه تعیین و محاسبه ارش است (رجوع به دو نفر عادل) و نه اصل قاعده ارش. اما به هر حال می‌توان از آن مسلم بودن خود قاعده را به دست آورد. به عبارت دیگر شاید بتوان چنین گفت که این حدیث در بخشی از جنایات که جراحت باشد و البته جراحتی که دیه آن در شرع معین نشده باشد، مقرر می‌دارد که میزان ارش با حکم دو نفر عادل معین شود. در مورد سایر جنایات (غیر از جراحت) که دیه آن در شرع تعیین نشده است نیز می‌توان با الغای خصوصیت این صحیحۀ به آن استناد کرد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

ظاهراً این روایت ربطی به قاعده ارش نداشته و مربوط به نسبت سنجی است، ضمن اینکه براساس این روایت باید گفت شیوه دوم محاسبه ارش، تعیین ارش به وسیله دو نفر عادل است و دیگر نباید برای حاکم سهمی در تعیین ارش قائل شد.

۳-۳- **روش سوم** مرحوم آیت الله خوانساری از یک سو به نقد شیوه اول (عبدانگاری) و از سوی دیگر به تبیین شیوه سوم (صلح) می پردازد. شاید بتوان سخنان ایشان را چنین خلاصه کرد (خوانساری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۲-۲۱۶-۲۲۷-۲۳۲-۲۵۱-۲۶۹-۲۷۷).

الف. در مواردی که دیه معین نشده است، احتمال عدم ارش وجود دارد، زیرا اگر از امام علیه السلام سوال می شد که دیه این مورد چیست، حضرت مقدار دیه را بیان می کردند و پاسخ ایشان، ارش یعنی تفاوت میان سالم (کامل) و معیوب (ناقص) نبود. مثلاً از جمله موارد ارش که فقها بیان کرده اند، بریدن آلت مقطوع الحشفه است. حال اگر به فرض کسی از امام علیه السلام دیه این مورد را می پرسید احتمال قوی می دهیم که حضرت علیه السلام دیه آن را به طور صریح بیان می کردند و نمی گفتند تفاوت سالم و ناقص، دیه آن است.

ب- دلیلی بر صحت شیوه اول وجود ندارد و ادله مطرح شده مثل روایت عبدالله بن سنان و صحیحه ابوبصیر، بر شیوه خاصی دلالت ندارند.

ج- چون در این موارد دیه تعیین نشده است و قاعده ارش هم ثابت نیست، باید با صلح و تراضی دعوی را پایان داد. به عبارت دیگر ادله صلح، لزوم آن را در مواردی که دیه معین نشده است، ایجاد می کند و در نتیجه باید با صلح، میان متخاصمین تراضی برقرار نمود. بدیهی است در شیوه اول رضایت طرفین نقشی ندارد، اما طبق این شیوه باید با ایجاد صلح و تراضی بین آنها، دعوی را خاتمه داد. به نظر می رسد این شیوه نیز قابل تأمل باشد، زیرا امکان صلح در بسیاری موارد وجود ندارد گرچه ممکن است بگوییم متخاصمین به صلح اجبار می شوند و این شیوه صلح قهری را هم تجویز می کنند، اما صلح قهری در موارد استثنایی مطرح است و نه به عنوان یک شیوه عام و فراگیر؛ درحالی که موارد ارش متعدد و متنوع است.

۴-۴- **روش چهارم:** شیخ طوسی در نهاییه مستند شیوه چهارم را بیان نکرده است. شاید نظر ایشان این باشد که چون حل و فصل دعوی برعهده حاکم است، بنابراین اوست که باید میزان ارش را معین نماید. اما اشکالی که مطرح می شود این است که حاکم از چه طریق و با چه ابزاری این میزان را معین می نماید: عبدانگاری،

رجوع به دو عادل یا ...؟ در نتیجه همچنان سوال باقی است که شیوه تعیین ارش چگونه است؟ (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۵۷).

میزان ارش و مرجع تعیین آن در قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی در مورد نحوه محاسبه ارش (جزائی) مقرر می‌دارد: «ارش، دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود».

ماده فوق حاوی دو پیام مهم است: یکی اینکه مرجع تعیین ارش دادگاه است و جلب نظر کارشناس طریقت دارد نه موضوعیت، چون تعیین دیه و ارش یک امر قضایی است و از صلاحیت غیرقاضی خارج است، دیگر اینکه میزان ارش مطلق و بی‌اندازه نیست، بلکه میزان آن باید با در نظر گرفتن دیه مقدر تعیین شود و این قید، مقدم بر جلب نظر کارشناس آمده است، یعنی بر آن اولویت دارد و کارشناس نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن دیه مقدر، ارش را به هر میزان تعیین نماید، همچنین ماده ۵۴۸ مقرر می‌دارد «در اعضا و منافع، مقدار ارش یک جنایت، بیش از دیه مقدر برای آن عضو یا منفعت نیست». حکم این ماده به قدری صریح است که جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در عدم امکان تعیین میزان ارش یک جنایت، بیش از دیه مقدر باقی نمی‌گذارد (فلاحی، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

رویه دادگاه‌ها در مورد ارش، بدین ترتیب است که از نظر پزشکی قانونی مدد می‌جویند (اخوت، ۱۳۸۵، ص ۶۵). در نظام جمهوری اسلامی ایران، پزشکی قانونی به منظور ایجاد وحدت رویه در نظرات کارشناسان پزشکی قانونی و رعایت عدالت اجتماعی و جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص، کمیته‌ای را به عنوان «کمیته کشوری ارش و دیه» تشکیل داده است. این کمیته با بررسی متون شرعی، حقوقی و علمی و مبنا قرار دادن قانون مجازات اسلامی برای اعضای مانند دست و پا، جداولی را تعیین و ارش هر یک از خسارات وارده به بافت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن را تعیین نموده است (اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

ابهامات قانونی نظام ارش

الف- مسئله تطبیق صدمات با قانون دیات

* تعیین ارش‌های متعدد

در تعیین ارش هر چند قواعد عمومی دیات تا حدودی بر آن صادق است ولی تعدد ارش یک محدودیت خاص دارد و آن هم سقف تعیین ارش است که نباید از دیه آن عضو یا منافع آن تجاوز کند (ر.ک: ماده ۵۶۲ ق م ا) مثلاً در صدمه وارده به زانوی یک فرد، تمام عناصر داخل زانو از جمله رباط‌های صلیبی، جانبی و مینیسک‌ها پارگی کامل دارد ارش‌های اختصاص یافته براساس منابع و دستورالعمل-های داخلی سازمان (عابدی، ۱۳۸۴، ص ۶۷)، برابر با مجموعه کسانی نیست که هریک از آنها یک عنصر زانو پارگی دارد؛ زیرا حاصل جمع تمام این عناصر، معادل چهل درصد دیه کامل می‌شود که از دیه فلج شدن پا فراتر می‌رود و این خلاف قانون و منطق است و باید دیه منفعت یا حداکثر دیه عضو طبق قانون مبنا باشد: به خصوص زمانی که این صدمات قابل ترمیم است، یک راه‌حل پیشنهادی می‌تواند این باشد که ارش عنصر دارای بالاترین ارش محاسبه و ارش پارگی عنصر بعدی به ترتیب نسبت به دیه عضو منهای ارش عنصر قبلی محاسبه گردد (سادات‌حسینی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

ب- چالش رونوشت مقنن از کلام فقها در برخی صدمات مربوط به ستون فقرات بدون دسته‌بندی منظم و رفع ابهامات آن

مقنن در درج متون روایی و فقهی گویا توجه دقیقی به جمع روایات و اقوال نداشته و تنها در صدد بیان حکم از ظاهر احادیث و فتاوا بوده است، قانون مجازات در ماده ۶۴۷ با تفکیک میان بهبودی و عدم بهبودی شکستگی مقرر می‌دارد که «شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد مثل اینکه مجنی‌علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی و یا کنترل ادرار وی از بین برود موجب دیه کامل است و در صورتی که شکستگی ستون فقرات درمان نشود و موجب عوارضی از موارد فوق شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات موجب دیه یا ارش هریک از عوارض حاصله نیز هست».

در متون فقهی و روایی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۰۷؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۱۰؛ قمی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۲؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۹؛ طوسی ۱۴۰۷ق، ص ۲۴۵ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱۱) خمیدگی پشت هم به صورت جداگانه و هم در کنار شکستگی بیان شده، نه اینکه حتما به عنوان یکی از عوارض حاصل از شکستگی ستون فقرات معرفی شده باشد. لکن نتیجه‌ای که از بررسی کلام فقها و روایات معتبر در این زمینه گرفته شد، مطلبی غیر از بیان قانون است چرا که در برخی منافع مثل عدم توانایی بر نشستن و خمیده شدن که عارضه خود شکستگی است و به نوعی می‌توان گفت شکستگی با عیب التیام یافته، روایات صحیح حکم به یک دیه کامل کرده‌اند، بنابراین قانون‌گذار نیز می‌بایست مطابق نتیجه‌ای که از کلمات فقها اخذ شد در عوارضی که به طور طبیعی پس از صدمه به ستوت فقرات حاصل می‌شود و سایر عوارض تفکیک قائل می‌شد (شاکر و صدیق‌آخا، ۱۳۹۷، ص ۲۶۷).

ج - ابهام قانونی تعیین خسارت بدنی بیماران مبتلا به وضعیت نباتی

وضعیت زندگی نباتی که یک حالت نورولوژیک است، حالتی مزمن و طولانی‌مدت است که در آن بیمار هیچ گونه عملکرد ذهنی و شناختی ندارد و با محیط اطراف نمی‌تواند ارتباط برقرار کند ولی می‌تواند بیدار باشد و چرخه خواب و بیداری منظمی داشته باشد و ۱۰-۵ درصد افرادی که به کما می‌روند قادر به بازگرداندن حالت هوشیاری خود نیستند و درنهایت به زندگی نباتی منجر می‌شود.^۱

در مراکز پزشک قانونی عمدتاً چالش‌های تشخیصی و چگونگی برخورد با این بیماران از جهت تعیین ارزش و دیه همواره مطرح بوده است به این شکل که در بخش تعیین خسارت این بیماران نظریات متعددی وجود دارد که این امر منجر به بروز عدم وحدت‌رویه در نظریات صادرشده از مراکز مختلف می‌گردد. عده‌ای معتقدند با عنایت به اینکه مغز به عنوان مرکز فرماندهی و کنترلی بدن در این بیماری آسیب دیده است و تمام اختلالات به تبع آن ایجاد شده‌اند، در نتیجه یک دیه برای این بیماران کفایت می‌کند. این مطلب از چند جهت جای ایراد

¹ (The Multi-Society Task Force on PVS 1994/1499-1508)

دارد: اول اینکه اگر بیماری در اثر سکتۀ مغزی دچار اختلال تکلم و فلج اندام‌ها شود، همین گروه قائل به دادن ارزش و دیه مستقل محیطی (اختلال تکلم و فلج اندام‌ها) هستند و به منطقه آسیب مغزی و میزان آن توجهی ندارند و اگر بیمار با ضایعه حتی کوچک‌تر مغزی، ضایعات نورولوژیک بیشتری داشته باشد، خسارت بیشتری دریافت می‌کند، پس این توجیه قابل قبول نمی‌باشد، در گروه کسانی که قائل به خسارت محیطی به طور مستقل هستند نیز اتفاق نظر وجود ندارد و درخصوص موارد مشمول دیه این بیماران از تعیین ۳ تا ۸ دیه تفاوت نظر وجود دارد. از مباحث مذکور مشخص می‌شود نمی‌توان برای این افراد با این توجیه که مرکز کنترل اعمال در مغز آسیب دیده است، تنها یک دیه در نظر گرفت زیرا در این بیماران آسیب ایجادشده منحصر به یک بخش نیست، به نظر می‌رسد آسیب این بیماران منطبق با ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی باشد که در اثر یک حادثه آسیب‌های مختلفی در اعضای بدن ایجاد شده است پس می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از نقایص ایجادشده دیه یا ارزش مخصوص خود را دارد. در بخش تعیین خسارت با پذیرش یک رویۀ عمومی به وحدت رویه رسید و از صدور نظریه کارشناسی مختلف پرهیز نمود (حاج‌منوچهری و مزینانی، ۱۳۹۶، ص ۴۱-۳۷)

د- ابهام قانونی محاسبۀ دیه و ارزش خسارت شکستگی استخوان

*قاعده شکستگی استخوان‌ها

قاعده ادعایی دیه شکستگی استخوان‌ها، قاعده اصطیادی است که مورد پذیرش مشهور قوی فقیهان (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷۶-حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۹۹-) سلا، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۸)، طوسی، ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹)، ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱)، کیدری، ۱۴۱۶ق، ص ۵۰۸) محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵۴)، مومن سبزواری، ۱۴۲۱ق، ص ۵۷۳)، حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۸۱) شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۲)، برغانی، ۱۳۸۲ق، ص ۱۹۵). قرار گرفته است. براساس این قاعده:

«هرگاه استخوان عضوی که دارای دیه مقدر است، بشکند، در صورتی که شکستگی درمان نشود یا به صورت ناقص درمان شود، یک پنجم دیه آن عضو ثابت خواهد شد و چنانچه شکستگی به طور کامل درمان شود، چهارپنجم از یک پنجم دیه آن عضو (یعنی چهار بیست و پنجم دیه آن عضو) ثابت خواهد شد».

قاعدهٔ پیش‌گفته به این شکل کلی و عام در هیچ یک از نصوص وارد نشده است، بلکه فقها این قاعده را از فقرات و قسمت‌های گوناگون روایت ظریف استخراج کرده اند (بای، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

شکستگی به صورت گسیختگی‌های کامل یا ناکامل در تمامیت استخوان تعریف می‌شود و براساس نوع و وسعت صدمه، طبقه‌بندی می‌شوند (اسملتز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲). در علم پزشکی شکستگی استخوان‌ها را به اعتبار صدمات وارد بر بافت‌ها و نسوج به سه دسته بسته^۲، باز^۳ و مرکب^۴ تقسیم کرده‌اند (الهی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷-۱۶۳)، نیکروش، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۵۰).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با وجود اصلاحات خوبی که در آن صورت گرفته، در بیانی کلی حکم دیه شکستگی را در دو حالت بهبودی و عدم بهبودی استخوان تعیین کرده است، مادهٔ ۵۶۹ مقرر می‌دارد: «دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقرر به شرح ذیل است:

الف - «دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است...».

نگاه سازمان پزشکی قانونی در مورد بهبودی یا عدم بهبودی متفاوت از نگاه شارع و حتی قانون است چرا که عبارت «هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند» در مادهٔ ۵۶۸ «و اگر بدون عیب درمان شود» در مادهٔ ۵۶۹، جوش خوردگی به هر شکل را بهبودی نمی‌داند، بلکه جوش خوردگی را بهبود کامل می‌داند که هیچ عیب و نقص دیگری اعم از کجی یا تورم یا ... نداشته باشد.

^۲ در شکستگی بسته، یکی از استخوان‌ها بدون آنکه زخم ایجاد کند، می‌شکند، در این نوع شکستگی، پوست روی محل شکستگی سالم است.

^۳ در شکستگی باز، علاوه بر شکستن استخوان و پدید آمدن زخم، ممکن است سر استخوان بشکند، پوست و عضلات را سوراخ کند و بیرون بیاید.

^۴ در شکستگی چندگانه علاوه بر شکستگی استخوان، مغز، عروق بزرگ، اعصاب، ریه، کبد یا مفاصل نیز آسیب می‌بینند، این نوع شکستگی ممکن است باز یا بسته باشد.

درخصوص جدول‌های مورد عمل پزشک قانونی باید گفت: «در استخوان‌های چندقطعه‌ای مانند مچ دست یا کف دست که متشکل از چند قطعه استخوان است ارش براساس هر استخوان تعیین شده و بعضاً هر کدام از قطعات، ارشی متفاوت از قطعه دیگر دارد». به عنوان مثال در شکستگی استخوان‌های مچ دست که بدون عیب بهبود یابد، ارش به نحو زیر تعیین می‌شود: (استخوان اسکافوئید ۵٪، استخوان لوتیت ۳٪ و سایر استخوان‌های مچ هر یک ۲٪). (عابدی، همان/۱۸) این مطلب در مورد استخوان‌های چندقطعه‌ای پا نیز به همین شکل بیان شده است. در این بند تمایز میان دیدگاه فقه و پزشک قانونی آشکار می‌شود چراکه فقه در استخوان‌های چندقطعه‌ای، با یک نگاه به بیان دیه صدمات وارد بر آن پرداخته است، لکن در پزشکی قانونی دیه یا ارش متفاوتی برای هر قطعه در استخوان‌های چندقطعه‌ای بیان شده است. از منظر پزشک قانونی کوتاهی اندام پس از شکستگی در صورتی که کمتر از ۲ سانتیمتر باشد نقص عضو محسوب نمی‌شود (عابدی، ۳۵). بیان شد که عبارت قانون، تنها بهبودی کاملی که شکستگی همانند حالت اولیه خود بهبود یابد را، شکستگی بهبود یافته می‌داند، درحالی‌که مطابق رویه پزشکی قانونی کوتاهی استخوان تا دو سانتیمتر، نقص عضو محسوب نشده و در گواهی‌های خود ارش و دیه‌ای با عنوان شکستگی یا عدم بهبودی تعیین نمی‌کنند. باید گفت در مقام حکم دادن بسیاری حالات، آنچه سازمان پزشکی قانونی گواهی‌های خود را مطابق آن صادر می‌کند، با نظر مقنن همخوانی ندارد به عبارتی در صدمه شکستگی برخی استخوان‌ها می‌توان دو نظر متفاوت مطابق قانون مجازات اسلامی و رویه پزشکی قانونی داد (شاگرد و ساریخانی، ۱۳۹۵، ص ۳۲۵-۳۳۱).

– تشتت رویه قضایی در جبران کامل خسارت بدنی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که سیاست جنایی ایران در جبران خسارات بدنی از آن رنج می‌برد، فقدان یک سیاست قضایی منسجم و هماهنگ در خصوص جبران خسارات بدنی است. هنوز نمی‌دانیم که آیا سیاست جنایی مبتنی بر پذیرش جبران خسارت کامل بدنی است و یا اینکه اعتقادی به این نوع جبران وجود ندارد، وضعیت رویه قضایی نیز به نحوی است که بر این ابهام افزوده است. در این خصوص به مواردی اشاره می‌کنیم که این ناهمگونی را در رویه قضایی نشان می‌دهد.

الف- پذیرفته نشدن ارش در موارد دیه

رأی وحدت رویه در مورد عدم اختصاص ارش در موارد دیه وجود دارد که بدین شرح است. به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ مورخه ۱۳۷۶/۰۸/۰۶، مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) مواد ۴۴۹ و ۵۵۹ قانون جدید) ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن، دیه تعیین نشده است. در ماده ۴۲۲ قانون مزبور (ماده ۵۶۹ قانون فعلی) برای شکستگی استخوان اعم از اینکه بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی مانده دیه تعیین شده است که حسب مورد باید همان مقدار پرداخت گردد. تعیین مبلغی زاید بر دیه با ماده مرقوم مغایرت دارد، علی هذا نظر شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر مرکز استان صحیح و منطبق با قانون است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷) ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

ب- اشتباه در تشخیص مصادیق فقهی و قانونی جراحات

قانون مجازات اسلامی با تبعیت از فقه، در مورد جراحات تقسیم بندی هایی را پذیرفته که در مواردی با تعاریف پزشکان قانونی از جراحات متفاوت است. به عنوان مثال، نافذه دیه مقدر دارد، لیکن پزشکان به جای اعلام نافذه، نوع دیگری از زخم را اعلام می کنند، در نافذه شرط نیست که شی نفوذکننده استخوان دست یا پا را بشکند بلکه صرف نفوذ از یک طرف به سمت داخل گوشت ولو اینکه از طرف دیگر خارج نشود، نفوذ صادق است و دیه خاص خودش را دارد. در مرد دیه نافذه یک صد دینار است و در زن ارش دارد. (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۳۰).

ج- لزوم کارشناسی در تعیین ارش

به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۵۴۳۳ مورخه ۱۳۷۱/۱۱/۲۴، انتخاب قاضی به عنوان کارشناس برای تعیین ارش صحیح نیست. (عبداللهی، همان/۴۵) زیرا تعیین ارش یک امر پزشکی و تخصصی است که از عهده قاضی بر نمی آید و لزوماً باید توسط کارشناس امر که حتماً یک پزشک است، صورت پذیرد. لیکن پزشک نیز باید به مفهوم و قلمرو ارش آشنا باشد.

د- پذیرش تنصیف در ارش

یکی از مواردی که منجر به عدم تحقق جبران کامل خسارت بدنی می شود، تنصیف در دیه است، که بر اساس

رویه قضایی، در ارش نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. حکم ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی در مورد تعیین ارش هم جاری است (تنصیف در ارش مازاد بر ثلث در مورد زن) (عبداللهی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۰).

نتیجه گیری

شیوه محاسبه ارش در فقه امامیه به چهار شکل عبدانگاری، جلب نظر دو نفر عادل، مصالحه و حکم حاکم و صلاحدید او می باشد. البته می توان گفت شیوه چهارم در عرض شیوه اول، دوم و سوم است، یعنی این حاکم است که با قیمت گذاری و یا با شهادت و نظر دو نفر عادل به حکومت، حکم می کند یا طریق مناسب را مصالحه می داند. نظام جبران خسارت بدنی ایران در حوزه ارش دارای ابهام های قانونی در زمینه تعیین خسارت بدنی و محاسبه دیه و ارش بیماران مبتلا به وضعیت نباتی و خسارت شکستگی استخوان بوده و همچنین در مواردی مثل برخی صدمات مربوط به ستون فقرات بدون دسته بندی و رفع ابهام آن از کلام فقها رونوشت نموده است که در عمل این ابهامات متعدد، منجر به اختلاف آرای کارشناسان پزشکی قانونی و متعاقب آن، احکام قضایی متفاوتی می شود. نظریه ها و گواهی های صادره از سوی پزشکی قانونی کشور، معمولاً تنها دلیل برای میزان دیه و ارش توسط قضات می باشد و نیاز دارد که گواهی های صادره در این راستا مرتباً با موازین علمی و فنی پزشکی و قوانین به خصوص دیات، سنجیده تا از گزند افراط و تفریط و خطا مصون بماند، به همین جهت، می توان ادعا کرد که قوانین کیفری ایران در خصوص پزشکی قانونی نیاز به بازنگری و اصلاح جدی دارد. پزشکی قانونی برای انجام وظایف خود به برخی ضروریات پایه احتیاج دارد و قبل از هر چیز باید قانون مناسبی وجود داشته باشد که تشکیلات پزشکی قانونی بر مبنای آن فعالیت کند تا با روشن شدن هر چه بیشتر جایگاه پزشکی قانونی در نظام کیفری و قابلیت های آن و به کارگیری از تخصص ها و پتانسیل های موجود در این سازمان در صدور نظریات دقیق تر و مبتنی بر ادله علمی اقدام شود. بنابراین پیشنهاد می گردد در راستای حفظ و حراست از نظم عمومی و جان و مال مردم و همچنین رعایت عدالت اجتماعی در تعیین و مطالبه میزان خسارات وارده به موجب صدمات بدنی که گاه به صورت دیه، گاه به شکل ارش و گاه در قالب خسارت نمود پیدا می کند کمیته ای کشوری متشکل از اعضای قضایی، پزشکی، روان شناسی و جامعه شناسی با بهترین

متخصصان تشکیل گردد تا ضمن آن با مطالعه تمامی پرونده‌هایی که بنا به دلایلی منجر به تعیین صحیح و بلااشکال دیه یا ارش نگردیده است یا سایر موارد مبتلابه، نسبت به ایجاد وحدت‌رویه‌ای واحد اقدام نمایند.

منابع و ماخذ

- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (سه جلدی)، چ ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

- ابن الأزهري، محمد بن أحمد، (۲۰۰۱)، تهذيب اللغة، بيروت، دار إحياء التراث، ج ۱۱.

- ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، (۱۴۱۷)، غیبه النزوع، چ ۱، قم: موسسه امام صادق (ع).

- اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳) مجمع الفائده و البرهان فی الشرح الارشاد الذهان، جلد ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.

- اکرمی، روح‌الله، (۱۳۹۴)، دیه طحال با نقدی بر رای وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم.

- ادیب، محمدحسین، (۱۳۸۷)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات سهامی چهر.

- اخوت، محمدعلی، (۱۳۸۵)، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی (سلسله مقالات)، تهران، صابریون، چاپ اول

- الحلی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- الهی، بهرام، (۱۳۸۸)، استخوان‌شناسی، چ ۲۲، تهران: انتشارات جیحون.

- اسملتز، سوزان و دیگران، (۱۳۹۰)، پرستاری داخلی و جراحی برونر و سودارث (ارتوپدی)، ترجمه فریبا نصیری زیبا، چ ۱، تهران: نشر جامعه‌نگر - سالمی.

- العیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۳۷۰)، مصباح المنیر، جزء اول و دوم، ج ۱، قم، دارالهجره.

- اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، (۱۳۸۳)، خلاصه مقالات، تهران، سازمان پزشکی قانونی.

- بابایی، ایرج، (۱۳۸۹)، جبران صدمات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۲۸

- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۸۷)، پزشکی قانونی در فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳۷

- برغانی، محمدتقی، (شهید ثالث)، (۱۳۸۲)، الدیات، تحقیق عبدالحسین شهیدی، ج ۱، قزوین: انتشارات حدیث روز

- بای، حسینعلی، (۱۳۹۴)، تاملی در قاعده شکستگی استخوان‌ها، مجله حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴

- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، (۱۳۸۴)، قاعده ارش و حکومت در فقه امامیه و اهل سنت، مجله فقه و حقوق، سال اول، بهار ۸۴

- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، (۱۳۸۹)، "ارش؛ ماهیت، شیوه محاسبه و مسئول آن" مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دور دوم، شماره اول، سال ۱۳۸۹

- حاج‌منوچهری، رضا، مزینانی، رزیتا، (۱۳۹۶)، ارزیابی چگونگی تعیین خسارت بیماران مبتلا به وضعیت نباتی در پزشکی قانونی، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۳، شماره ۱

- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ ق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. اسماعیلیان، ج ۴.

- حلبی، ابوصلاح تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی فقه، ج ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین (ع)

- خویی، سیدابوالقاسم، (۱۳۹۶)، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، قم.

- خوانساری، احمد، (۱۳۹۴)، جامع المدارک، ج ۶ تهران، مکتب الصدوق.

- زراعت، عباس، حاجی‌زاده، حمیدرضا، (۱۳۸۳)، ادله اثبات: کاشان، انتشارات قانون مدار.

- سادات حسینی، سیدعباس، (۱۳۹۴)، تاملی بر نحوه کارشناسی ضرب و جرح‌ها در پزشکی قانونی ایران، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره سی و دوم .

- سلار، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴)، المراسم العلویه والاحکام النبویه، ج ۱، قم: منشورات الحرمین.

- سبزواری، سیدعبدالعلی، (۱۴۱۳)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، جلد ۲۹، قم: موسسه المنار

- شاکر، محمدحسین، صدیق‌آخا، حمید، (۱۳۹۷)، تاملی در دیه صدمات وارده بر ستون فقرات، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و سوم.

- شاکر، محمدحسین، ساریخانی، عادل، (۱۳۹۵)، بررسی دیه شکستگی استخوان از منظر قانون و رویه سازمان پزشکی قانونی به همراه حل برخی مشکلات اجرایی، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۲، شماره ۴.

- شیخ‌آزادی، اردشیر، ابوالمعصومی زهرا، پارسا، زهرا، قادی‌پاشا، امیر، (۱۳۸۵)، بررسی نظرات کارشناسی پزشکان قانونی استان تهران درخصوص ۶۲ مورد تعیین ارش و دیه در سال ۱۳۸۵، مجله علمی پزشک قانونی، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷

- شیرازی، سیدمحمد، (۱۴۰۹ق)، الفقه، کتاب الدیات، بیروت، دارالعلوم، ج ۲، ۹۰.

- طباطبایی، سیدعلی، (۱۴۱۸ ق)، ریاض المسائل، قم، موسسه النشر الاسلامی، ج ۱۴.

- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۰)، النهایه، سلسله الینایع الفقیه، ج ۲۴، بیروت، موسسه فقه الشیعه

- عابدی، محمدحسن، (۱۳۸۴)، ارش و دیه اندام‌ها، سازمان پزشکی قانونی کشور.

- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱۵

- صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام (ط. القدیمه)، دار إحياء التراث العربی، ج ۴۳.

- عاملی، (شیخ حر)، (۱۴۰۹)، تفضیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۹، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیا التراث.

- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه، ج ۱، بیروت: دارالتراث (دارالاسلامیه)
- عبدالهی، افشین، (۱۳۹۶)، پیشینه رویه قضایی در ارتباط با قانون مجازات اسلامی، جلد چهارم، دیات، تهران، انتشارات قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، (۱۴۱۶)، اصباح الشیعه، ج ۱، قم: موسسه امام صادق (ع)
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، المقنعه، ج ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید .
- مومن سبزواری، علی، (۱۴۲۱)، جامع الخلاف و الوفاق، زمینه سازان ظهور امام عصر، ج ۱، قم: زمینه سازان ظهور.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۱۶)، فقه الدیات، قم، چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، تهران، مکتب الاسلامیه، ج ۶، ۴۳.
- نیکروش، محمدرضا، (۱۳۸۱)، آناتومی به زبان ساده، ج ۴، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

1- The Multi-Society Task Force on PVS (1994).

"Medical Aspects of the Persistent Vegetative State— First of Two Parts". New England Journal of Medicine 330 (21): 1499–1508